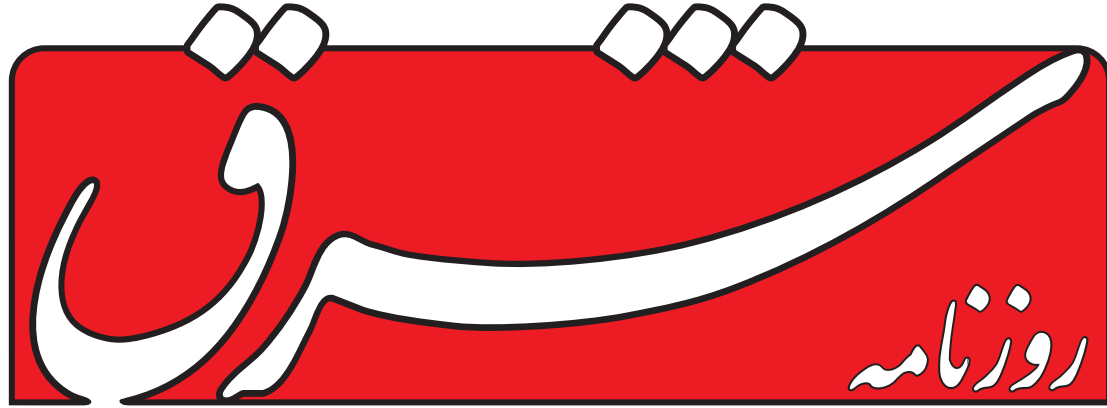




احمد غلامی

بسیاری بر این باورند در انتخابات ۲۰۲۴ آمریکا تفاوتی جدی بین دونالد ترامپ و کامالا هریس در سیاست خارجی وجود ندارد. محل منازعه در مسائل داخلی آمریکاست. همین تحلیلگران اختلاف نظر در سیاست خارجی را بیش از آنکه عمل‌گرایانه باشد، رتوریک (سخنورانه) می‌دانند و تأکید می‌کنند تفاوت فقط در لحن گفتار است وگر نه هر یک ناگزیرند به کارهای مشابه دست بزنند. در مسائل داخلی هم اختلاف جدی فقط در چند مورد است و یکی از آنان مسئله مهاجران است. رئیس‌جمهور سابق آمریکا، ترامپ، درصدد است این تفاوت را بیش از اندازه بزرگ و ضروری جلوه دهد. او در سخنرانی‌هایش به نوعی از مهاجران حرف می‌زند که گویا باندهای تبهکاری آمریکا را اشغال کرده‌اند. او با صراحت آمریکا را «کشور اشغال‌شده» می‌نامد با مهاجرانی که تهدیدی جدی برای دموکراسی آن هستند. در واقع ترامپ در سخنرانی‌های انتخاباتی خود می‌خواهد این‌گونه القا کند که مهاجران، «زویی‌سانس» (لذت) مردم آمریکا را ربوده‌اند. او می‌خواهد یک «دیگری» بسازد و نشان بدهد مسبب وضع موجود بیگانگان داخلی هستند. کسانی که موجب شده‌اند زویی‌سانس آنان از دست برود و برای در امان ماندن از این دیگری راهی جز بازگشت به هویت ملی وجود ندارد. معمولا هویت‌سازی از طریق «پس‌مانده‌های» دوره‌های تاریخی گذشته صورت می‌گیرد. آنچه رژیم به آن «شیء مطلق ملی» می‌گوید. همان پروژه‌ای که ترامپ آن را دنبال می‌کند تا از نگرانی و ترس مردم آمریکا برای افزایش آرای خود و پیروزی بر رقیبش بهره‌برداری کند. او به حامیانش این‌گونه القا می‌کند این دیگری (مهاجران) است که زندگی و دموکراسی آمریکا را تهدید می‌کند. همان کاری که ایوزیسون خارجی ایران درصدد است با جامعه ناراضی ایران به نفع خود انجام بدهد؛ یعنی بازنویسی روایت‌های تاریخی گذشته با دیگری‌سازی که دست بر قضا زمینه‌هایی هم برای آن وجود دارد. اما تجربه تاریخی دیگری‌سازی برای رسیدن به شیء مطلق ملی نشان داده این امر به هرچه بینجامد به آزادی، رفاه و دموکراسی منجر نخواهد شد. اگر سرمایه‌داری اضطراب‌آفرین است و مدام امیال جدید می‌آفریند و در آن از زندگی پایدار خبری نیست، جامعه شبه‌سرمایه‌داری ایران همچون ایران هم دچار اضطراب ناشی از فقر است که پشت در هر خانه‌ای خوابیده است. با این وجود، وضعیت ایوزیسون ایرانی داخل آمریکا ترازیک است؛ آنان از یک سو به پیروزی ترامپ دل بسته‌اند و از سوی دیگر در مواجهه با پروژه شیء مطلق قومی ترامپ قرار دارند. کامالا هریس روی دیگر سکه است؛ او نیز با هراس‌افکنی در دل طبقه بورژوازی آمریکا تلاش می‌کند به بهانه صیانت از دموکراسی، رقیب را ناهنجار جلوه داده و موجب شکستش را فراهم کند. از این‌رو در اغلب سخنرانی‌هایش با اعتراضات پیشین آمریکا که در آن حامیان ترامپ کاخ کنگره آمریکا (Capitol Building) را اشغال کرده‌اند، اشاره می‌کند. کامالا هریس می‌خواهد به پاشنه آشیل ترامپ ضربه بزند و به بهانه صیانت از دموکراسی، او را تحت فشار بگذارد. این رقابت بیش از آنکه یک رقابت انتخاباتی یا به گفته دونالد ترامپ رقابتی بین دو حزب باشد، رقابت بین دو تفکر است. حتی اگر این وضعیت ظاهرسازانه باشد، با این وجود نخبگان و نمایندگان نهادهای دموکراتیک آمریکا را از سرانجام این انتخابات در چگونگی پذیرش شکست رقیب نگران کرده است. هرچقدر تنش و اختلاف نظر در مسائل داخلی جدی است، در مسائل خارجی به خصوص در مسائل منطقه خاورمیانه هر دو نامزد انتخاباتی کار متفاوتی نخواهند کرد.



شنبه ۱۲ آبان ۱۴۰۳
۲۹ ربیع‌الثانی ۱۴۴۶
۲ نوامبر ۲۰۲۴
سال بیست و یکم
شماره ۴۹۶۴
۲۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

رهبر انقلاب در دیدار دست‌اندرکاران برگزاری کنگره شهدای استان فارس:

رژیم صهیونیستی شکست خورد



۲

در «شرق» امروز می‌خوانید: «شرق» از تقویت گمانه‌زنی‌ها درباره احتمال پاسخ تهران به حمله اسرائیل به موازات آتش‌بس محتمل در لبنان گزارش می‌دهد • گشت‌وگذار خاتمی در یزد

رئیس‌جمهور در دومین سفر استانی خود به قم رفت و با آیات عظام دیدار کرد

تأکید بر رفع مشکلات معیشتی

آیت‌الله مکارم شیرازی: مسئله حجاب به صورت اجباری، نه عملی است و نه صحیح • آیت‌الله جوادی آملی: جنگ طلب نیستیم، اما قاطعانه پاسخ می‌دهیم

گزارش تیتربیک را در صفحه ۲ بخوانید



گزارش میدانی «شرق» از مراسم چهلم در طبس؛ خبرنگاران را به معدن تجوراه تداوند

زخمی بر جان طبس

یادداشت

زمین سفت واقعیت



مهرداد احمدی شیخانی

آن فضایی را که از دست دادیم، پس بگیریم. این گفته بارها و بارها تکرار شده که مرجعیت رسانه‌ای از کشور خارج شده. ممکن است بعضی این را نپذیرند، چنان‌که مثلا مسئولان رسانه ملی اصرار دارند که چنین نیست، ولسی زمین واقعتی چیز دیگری می‌گوید. کافی است به برخی رخدادها همین چند سال اخیر توجه کنیم؛ مثلا واکنش‌های خیابانی پس از شکست تیم ملی فوتبال در جام جهانی قطر، از تیم‌های آمریکا و انگلیس؛ یا مثلا شعارهایی که در استادیوم‌های ورزشی در موضوع فلسطین داده شد. اینها واقعتی روی زمین است. واقعاتی که حتی اگر چشم‌مان را بر روی آن ببندیم، باز وجود دارد. قطعا دلایل این واقعات مختلف است ولی یادمان باشد که وقتی مرجعیت رسانه از کشور خارج شود، در بزنگاه، همین واکنش‌ها را شاهد خواهیم بود و هر بار شدیدتر از قبل.

دولت ابزارهایی دارد که اگر معتقد است که باید مرجعیت رسانه را به کشور بازگرداند، لازم است که آن ابزارها را هرچه سریع‌تر فعال کند. در دوره اصلاحات، حتی با وجودی که رسانه ملی ساز خود را می‌زد، ولی وجود مطبوعات فعال در فضایی که اصلاحات باعثش بود، سبب شد که مرجعیت رسانه‌ای در کشور بماند. آنچه بر مطبوعات گذشت و اصرار رسانه ملی، کار را به آنجایی رساند که امروز در آن قرار داریم. فیلترینگ هم نه تنها چاره‌ساز نشد، بلکه فیلترشکن‌ها آن را بلاموضوع کردند و فقط امکانی را فراهم آورد تا برخی به «نانی چرب» برسند و احتمالا همان‌ها تلاش می‌کنند تا این نان همچنان چرب بماند، اما حالا حتی برداشتن فیلترینگ هم چاره‌ساز نیست، یعنی نمی‌شود که فیلترینگ را برداریم و محدودیت مطبوعات بر جای باشد. و حتی شاید بازگشت به دوره اصلاحات برای مطبوعات هم چاره‌ساز نیست. اگر ضرورت بازگرداندن مرجعیت رسانه را متوجه شویم، شاید در بزنگاه‌ها، دیگر آنچه بعد از شکست تیم ملی فوتبال از آمریکا و انگلیس را شاهد بودیم، نبینیم.

دولت چهاردهم که روی کار آمد، غیر از مشکلات فراوانی که از سال‌های قبل بر هم تلنبار شده بود و حل آنها حتی گاهی غیرممکن به نظر می‌رسد، با دشواری‌های جدیدی روبه‌رو شد که بروز آنها نیز ریشه در گذشته داشت و میوه‌ای بود که بدون خواسته دولت جدید در دامانش افتاد. از ترور میهمان در همان روز تحلیف تا ورود به شرایطی جنگی که هر روز پیچیده‌تر می‌شود و آن فاجعه غبار معدن زغال‌سنگ طبس. یادداشت امروز را نیز با اشاره به همین اتفاق تلخ و فاجعه‌بار طبس آغاز کرده و پیش می‌برم.

فاجعه طبس که رخ داد، در همان روز نخست با اظهار نظری از سوی وزیر کار روبه‌رو شدیم که برای بسیاری با شناختی که از آقای میدری داشتند، باورناپذیر بود. برای خود من نیز که علاقه‌ای ویژه به ایشان دارم و جزء سه نفری بود که به دلیل شناخت و باوری که به آنها داشتیم، اینجا و آنجا پیگیر بودم، بلکه حمایت‌هایی برای وزارت‌شان فراهم بیاید، موضع ایشان برایم درک‌کردنی نبود و انتظار داشتم که شاید در روزهای بعد به‌صراحت آن را تصحیح کند که البته با وجودی که برخی از دوستان می‌گفتند جناب میدری عزیز به خطا بودن آن نظر و قوف پیدا کرده، ولی تصحیح علنی آن را شاهد نبودیم و گذشت.

اما به‌حق باید اقرار کنم که در ادامه، تلاش‌های ایشان و وزارتخانه و در کنار آن زحمات وزیر مسکن برای کاستن از آلام خانواده‌های داغدار، شایان توجه بود، به‌ویژه آنکه انصاف باید داد که شاید این حد از سرعت برای التیام دردهای بازماندگان را در این چهار دهه و در موارد مشابه شاهد نبوده‌ایم. تلاشی که در گزارش شورای اطلاع‌رسانی دولت به مردم در آستانه چهلمین روز حادثه معدن معدن‌جوی طبس منعکس است و خواندن این گزارش را به همه پیشنهاد می‌کنم، چراکه به‌روشنی زحمات ستودنی و با سرعت لازمه در این ماجرا را شرح می‌دهد. اما گفتم اطلاع‌رسانی؛ شاید در این چند ماهی که از شروع به کار دولت چهاردهم می‌گذرد، هیچ‌کس به اندازه من در نقد شورای اطلاع‌رسانی دولت در اینجا و

برگزیده‌ها

زخم‌های افزایش برد موشک‌های ایران برداشته‌شدن محدودیت خودخواسته

کمال خرازی: وقتی غربی‌ها به حساسیت‌های ما توجه نمی‌کنند، دلیل ندارد ما حساسیت‌های آنان را در نظر بگیریم

سیاست توزیع بارانه و ناترازی بودجه‌ها، منجر به ناترازی برق و استفاده از سوخت‌های آلاینده شده است

بودجه؛ ضد توسعه انرژی

کامران - دیوید تیلور؛ سر کار بودیم؟



روایت رامبد جوان از ناگفته‌های «خندان» و بازگشت به سینما

هر چه گذشت کار کردن در تلویزیون سخت‌تر شد

یادداشت

قطع بس



عمادالدین باقی

«خون‌بس» اصطلاح و آیینی در خوزستان، کهگیلویه و بویراحمد و لرستان بوده برای پایان‌دادن به انتقام و قتل و نزاع و نوعی دیه و روش جایگزین برای قتل و انتقام بوده است. اکنون با الهام از آن، تعبیر «قطع‌بس» را به کار می‌برم. خبر آمد که روز سه‌شنبه ۸ آبان ۱۴۰۳ حکم دو برادر به نام‌های مهرداد و شهاب تیموری اهل سرپل‌ذهاب که به حکم قطع چهار انگشت دست راست با دستگاه کیوتین محکوم شده بودند، در زندان ارومیه اجرا شد. از تأثیر منفی اجرای این احکام، بر حیثیت و وجهه دین و نظام قضائی و شخصیت و فرهنگ تمدنی‌مان می‌گذرم. فعلا از بحثی تفسیری که مدت‌ها پیش در این زمینه تحریر کرده‌ام، نیز می‌گذرم و انتشار آن را به مجال دیگری موکول می‌کنم. از اینکه فقها مجموعا ۲۸ شرط را برای اجرای چنین مجازاتی ذکر کرده‌اند که عملا آن را تعلیق به محال می‌برد، نیز می‌گذرم (تمام این شروط در جلد اول کتاب حیات فقهرست شده‌اند) و متذکر می‌شوم که ۴۵ سال است شهید مطهری تبلیغ و کتاب‌هایش ترویج می‌شود اما گویا یک بار هم آنها را نخواندند، لاف‌اقل اگر نگاهی به کتاب «اسلام و مقتضیات زمان» انداخته می‌شد...

انتشارات شرق منتشر کرد

